

سنجش رابطه سرمایه اجتماعی با تساهل مذهبی (نمونه پژوهی: دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد)

^۱ ابوالقاسم شهریاری

^۲ محسن خلیلی

^۳ حسین اکبری

تاریخ پذیرش: ۹۴/۳/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۴/۱/۲۲

چکیده

در جوامعی که چندگونگی مذهبی وجود دارد، زندگی مسالمت‌آمیز، جز در سایه تساهل مذهبی و به رسمیت شناختن تمامی مذاهب، امکان‌پذیر نیست. نبود تساهل مذهبی، پیامدهایی چون خشونت مذهبی را در پی دارد. همچنین تساهل مذهبی، تأثیر بسزایی نیز بر نگرش سیاسی افراد برجای می‌گذارد. پرسش‌های پژوهش حاضر عبارت‌اند از: ۱. تساهل مذهبی شیعیان نسبت به مذاهب رسمی کشور، در چه سطحی است؟ ۲. چه عواملی بر تساهل مذهبی تأثیر گذارند؟ بنابراین، هدف از این پژوهش - که به روش پیمایشی انجام گرفته است - سنجش تساهل مذهبی و عوامل مؤثر بر آن، در میان دانشجویان دانشگاه فردوسی است. با توجه به پیشینه نظری، متغیرهای سرمایه اجتماعی، تحصیلات، جنسیت و سن، به‌عنوان عوامل مؤثر بر تساهل مذهبی انتخاب شدند. نتایج نشان می‌دهد که تساهل مذهبی شیعیان نسبت به سایر مذاهب، وضعیت مطلوبی ندارد. همچنین آزمون فرضیه‌ها نیز نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، بر تساهل مذهبی تأثیر منفی و سرمایه اجتماعی برون‌گروهی، تأثیر مثبت دارد. تحصیلات و جنسیت نیز تأثیر مثبت و سن، تأثیر منفی بر تساهل مذهبی دارند. تأثیر مثبت تساهل مذهبی بر تساهل سیاسی نیز تأیید شده است.

واژه‌های کلیدی: تساهل سیاسی، تساهل مذهبی، سرمایه اجتماعی برون‌گروهی، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی.

۱. کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)، ab.shahriari@stu.um.ac.ir.

۲. استاد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، khalilim@um.ac.ir.

۳. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، h-akbari.um.ac.ir.

مقدمه و بیان مسأله^۱

وقوع درگیری‌های مذهبی در چند سال اخیر و تبدیل شدن آن به خشونت مذهبی نشان داده است که گرچه اندیشه تساهل‌ورزی^۲ نسبت به ادیان و مذاهب، ریشه‌ای چندصدساله دارد، در عرصه عمل و رفتار، همچنان تعصب مذهبی این قابلیت را دارد که مبنایی برای خشونت‌ورزی باشد. نسل‌کشی مسلمانان در میانمار، درگیری‌های مذهبی در نیجریه، خشونت‌های مذهبی در آسیای شرقی و اوضاع اسفناک عراق و سوریه، دلیلی بر این مدعا هستند که مذهب و اندیشه‌های مذهبی، همچنان این زمینه را دارند تا زندگی جامعه انسانی را دچار چالش‌های عدیده‌ای کنند؛ اندیشه تساهل مذهبی^۳ به معنای «نگرش یا رفتاری است که تمایل دارد تا تفاوت‌های مذهبی موجود در جامعه، بدون تعصب یا تبعیض به رسمیت شناخته شده و حقوق یکسانی برای تمامی آن‌ها وجود داشته باشد» (السدی و بسیط، ۲۰۱۳: ۴۵۰؛ فتحعلی، ۱۳۷۸: ۶۶). در شرایط کنونی، ترویج این نگرش، نیاز جوامعی است که در آن‌ها تنوع مذهبی وجود دارد؛ زیرا در جامعه‌ای متکثر به لحاظ مذهبی، رفاه اعضای جامعه در گرو زندگی در کنار افرادی است که جهان‌بینی متفاوتی دارند. به بیان دیگر، در جامعه‌ای که نحله‌های فکری و عقیدتی متفاوتی حضور دارند، رفاه اعضای جامعه تا حد زیادی به درجه تساهلی بستگی دارد که این اعضا در برابر عقاید گوناگون بروز می‌دهند؛ بنابراین، تساهل راهکاری اساسی برای زندگی در جامعه‌ای متکثر است (اولتویس، ۲۰۱۲: ۵).

همچنین دلیل دیگر اهمیت تساهل مذهبی، تأثیری است که ممکن است در حوزه سیاسی داشته باشد. از آنجاکه نگرش فرد درباره یک موضوع، از عوامل مؤثر بر رفتار وی در حوزه‌های دیگر است، اندیشمندان معتقدند که نگرش منفی و متعصبانه در حوزه مذهبی سبب خواهد شد تا در حوزه سیاسی نیز رفتار منفی و بدون تساهل، نسبت به گروه‌های سیاسی به وجود آید (عبدالرحمان و خمبالی، ۲۰۱۳: ۸۳؛ واندرنول، ۲۰۱۴: ۶۱). به بیان دیگر، نگرش مذهبی فرد، بر انتخاب سیاسی وی تأثیر می‌گذارد و هرچه تعصب‌ورزی در اندیشه مذهبی بیشتر باشد، نگرش سیاسی فرد نیز بسته‌تر خواهد بود (بتی و والتر، ۱۹۸۴؛ گی و الیسون، ۱۹۹۳؛ الیسون و موسیج،

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی است که با عنوان «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر آگاهی از حقوق اساسی» در دانشگاه فردوسی مشهد نوشته شده است.

2. Tolerance

3. Religious Tolerance

۱۹۹۳؛ کاتنیک، ۲۰۰۲؛ فروسه و همکاران، ۲۰۰۸؛ اوسود و همکاران، ۲۰۰۹؛ کیم و ژونگ، ۲۰۱۰؛ دیچوپ و کالفانو، ۲۰۱۰). ویر نیز معتقد است که نگرش دینی بر حوزه‌های گوناگونی تأثیر می‌گذارد که از جمله آن‌ها امور سیاسی است (سراجزاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۰). امروزه تساهل مذهبی به یک ضرورت برای جوامعی تبدیل شده است که چندگونگی مذهبی دارند؛ زیرا رفتار مبتنی بر تساهل، به معنای پذیرش تفاوت‌های فرهنگی و داشتن زندگی مسالمت‌آمیز در کنار آن‌هاست. به بیان دیگر، تساهل، به تمایل فرد برای ایجاد رابطه با فرد دیگری اشاره دارد که پس‌زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی متفاوتی دارد (عبدالرحمان و خمبالی، ۲۰۱۳: ۸۱). همچنین باید بین تساهل مذهبی - که با نگرش اعضای جامعه مرتبط است - با آزادی مذهبی^۱ - که به معنای «رد استفاده از هرگونه ابزاری چون اختیارات قانونی، قدرت سیاسی و نهادهای مذهبی برای رد یا انکار اعتقادات مذهبی است» (طالیب و سارجیت، ۲۰۱۲: ۵۰) - تمایز قائل شد.

در جامعه‌ای که تساهل مذهبی وجود ندارد، در واقع، نوعی فاصله اجتماعی^۲ میان اعضای آن جامعه ایجاد شده است که مبنای آن، نگرش مذهبی است. مفهوم فاصله اجتماعی به محدودیت در تعامل بین افراد متعلق به گروه‌های متفاوت اشاره دارد که مبنای آن، خود را برتر دیدن و پست‌دانستن دیگران است» (کاوآن، ۱۹۷۱: ۹۴؛ کاراکالی، ۲۰۰۹: ۵۳۹؛ اسمیت و همکاران، ۲۰۱۴: ۴۳۳). فاصله اجتماعی دارای دو نوع است: فاصله اجتماعی افقی^۳ که به معنای داشتن تعامل با دیگرانی که به لحاظ فرهنگی متفاوت هستند، بدون خودبرتربینی است (کاوآن، ۱۹۷۱: ۹۴)؛ فاصله اجتماعی عمودی^۴ که تفاوت‌های فرهنگی در آن پررنگ است و مبنایی برای تمایز خود و دیگران به شمار می‌رود (بوگاردوس، ۱۹۲۸: ۷۸). به بیان دیگر، در فاصله اجتماعی افقی، فرد تمایل دارد تا رابطه‌ای با طرف مقابل داشته باشد؛ اما در فاصله اجتماعی عمودی، چنین تمایلی وجود ندارد. هرچه فاصله افقی‌ای که فرد برای ارتباط با سایر مذاهب انتخاب می‌کند، بیشتر باشد و به فاصله عمودی نزدیک شود، نشان‌دهنده تساهل‌نداشتن وی خواهد بود و برعکس. از سوی دیگر، اگر فاصله اجتماعی در جامعه‌ای با ازدیاد روبه‌رو باشد که نشانی برای نبود تساهل است، احتمال شکاف اجتماعی^۵ نیز افزایش خواهد یافت.

1. Religious Freedom
2. Social Distance
3. Horizontal Social Distance
4. Vertical Social Distance
5. Social Gap

در این میان، ایران به دلیل اینکه دارای چندگونگی مذهبی است و احتمال بروز شکاف اجتماعی در آن وجود دارد، از جمله جوامعی است که تساهل مذهبی در آن، جزء نیازهای اساسی محسوب می‌شود. نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که حدود ۱۰ میلیون نفر از جمعیت ۷۵ میلیون نفری ایران (حدود ۱۴ درصد)، مذهبی غیر از مذهب تشیع - که مذهب رسمی کشور است - دارند (amar.org). به همین دلیل نیز وجود تساهل نسبت به مذاهب دیگر جامعه، یک ضرورت در جامعه ایران است. اهمیت بررسی تساهل مذهبی از همین‌جا نشئت می‌گیرد؛ بنابراین، هدف از این پژوهش، در گام اول سنجش میزان تساهل مذهبی و سپس مشخص کردن عوامل تأثیرگذار بر آن است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

سنجش میزان تساهل مذهبی شیعیان - که اکثریت را در ایران تشکیل می‌دهند - نسبت به سایر مذاهب رسمی کشور، ضمن به دست دادن وضعیت موجود، چشم‌اندازی برای سیاست‌گذاری در این زمینه را نیز فراهم می‌سازد. حدود ۹ هزار مقاله و کتاب در این باره در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ به زبان انگلیسی وجود دارد که کلیدواژه «تساهل مذهبی» در آن‌ها موجود است. این در حالی است که پژوهش‌های موجود در همین بازه، در داخل کشور کمتر از ۵۰ مورد است.^۱ همچنین، سهم کارهای تجربی سنجش تساهل مذهبی در ایران، بسیار اندک (کمتر از ۱۰ پژوهش) است. در نتیجه، اهمیت سنجش تساهل مذهبی در کنار کمبود منابع پژوهشی از یک سو و از سوی دیگر تأثیرگذاری دانشجویان - که قشر ممتازی در جامعه محسوب می‌شوند و در شکل‌دهی به نگرش سایر اقشار مردم نقش مهمی دارند - ضرورت‌های انجام این پژوهش به - شمار می‌روند.

مبنای نظری

ریشه‌شناسی^۲ و تعریف تساهل

مفهوم تساهل، همچون بعضی دیگر از مفاهیم علوم اجتماعی و سیاسی، از رشته‌های پزشکی و مهندسی اقتباس شده است. فرهنگ وبستر^۳ اولین کاربرد این مفهوم را در علوم پزشکی و در

۱. برای پژوهش‌های لاتین از سایت: worldcat.org و برای پژوهش‌های داخلی از سایت noormags.com سود برده

شده است.

2. Etymology

3. Webster

قرن ۱۵ می‌داند: توانایی بدن یا دیگر ارگان‌ها برای مقاومت در برابر سم یا برای مقابله با مواد مخدر خطرناک (وبستر، ۲۰۱۲). فرهنگ هریتیج^۱ نیز کاربرد تساهل در علوم پزشکی را چنین تعریف کرده است: زنده‌ماندن یک موجود زنده در برابر عفونت‌ها (هریتیج، ۲۰۰۲). در علوم مهندسی نیز تساهل چنین به‌کار رفته است: تنوع یا انحراف از استاندارد، به‌ویژه حداکثر اختلاف مجاز در اندازه‌گیری (وبستر، ۲۰۱۲). اندیشه تساهل در علوم انسانی، به‌لحاظ تبارشناسی تاریخی، از درون منازعات مذهبی در اروپا پدید آمد و در آغاز به معنای حق انتخاب مذهب از سوی فرد و عمل بدان بود و به‌تدریج تساهل در برابر هر عقیده‌ای را شامل شد (فولادی، ۱۳۷۹: ۱۰۱). مفهوم تساهل مذهبی برای اولین بار از سوی جان لاک^۲ در نوشته‌ای با عنوان «در باب تساهل»^۳ ارائه شد. در بیانیه اصول تساهل که دولت‌ها آن را در نشست بیست‌وهشتمین اجلاس عمومی یونسکو در ۱۹۹۵ تصویب کردند، تساهل چنین تعریف شده است: احترام گذاشتن، پذیرش و ارج نهادن به فرهنگ‌های متنوع پیرامونمان، اشکال مختلف آزادی بیان و شیوه‌های متنوع انسان‌بودن (آگینوس و آمبروسویچ، ۲۰۰۳: ۱۲؛ السدی و بسیط، ۲۰۱۳: ۴۵۰). در فرهنگ هریتیج، تساهل چنین تعریف شده است: احترام به هویت و عقاید و رفتار دیگران و شناسایی حقوق رسمی افراد و گروه‌ها برای داشتن عقاید مخالف (سراج‌زاده و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۱۵).

مندوز و ادواردز (۱۹۸۷: ۱۲) عناصر تنوع و اختلاف، نارضایتی و آگاهی و قصد را در مفهوم تساهل شناسایی می‌کنند. تساهل به‌عنوان عمل آگاهانه فرد یا سازمانی در نظر گرفته می‌شود در خودداری از مخالفت و سرزنش یا خشونت علیه اعتقادات دیگری، به‌رغم مخالفت شخص با آن اعتقادات. مدارا اساساً شکلی از خودداری (خودکنترلی) است (ادیبی سده و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۵۵). می‌توان دو اصل اساسی برای تساهل برشمرد: مدارا در عرصه تفاوت‌ها معنا می‌دهد؛ جایی که تفاوت اساسی حضور داشته باشد. فرد به تفاوت آگاه است و عقیده فرد مقابل را نمی‌پذیرد؛ اما به این تفاوت احترام می‌گذارد. با اراده شخصی، از سرکوب عقاید دیگران خودداری می‌کند، دیگران متفاوت را به‌رسمیت می‌شناسد و محترم می‌شمارد (جهانگیری و افراسیابی، ۱۳۹۰: ۱۵۹؛ وگت، ۲۰۰۲: ۴۲؛ بالینت، ۲۰۱۴: ۲۶۴). در ترجمه تولرانس در زبان فارسی، واژه‌های متفاوتی از جمله تسامح، تساهل، مدارا، بردباری، بی‌تفاوتی،

1. The American Heritage Dictionary
2. John Locke
3. Letter on toleration

تحمل، رواداری و... به کار رفته است، اما با در نظر آوردن دو اصل اشاره شده (اعتراض و سرکوب نکردن)، بین این مفاهیم و تساهل، تفاوت معنایی وجود دارد. در جدول ۱ این تفاوت‌ها بررسی شده است.

جدول ۱. تفاوت معنایی تساهل و مفاهیم دیگر

مفهوم	نگرش نسبت به موضوع	رفتار
تساهل	اعتراض	رد و سرکوب نکردن
نبود تساهل	اعتراض	رد و سرکوب
بی تفاوتی	نبود اعتراض	عمل رد
عمل مصلحت جویانه مثبت	نبود اعتراض	عمل موافق
عمل مصلحت جویانه منفی	نبود اعتراض	رد و سرکوب
فداکاری	اعتقاد و تأیید	عمل غیر موافق
لطف	اعتقاد و تأیید	عمل موافق
آزادی	اعتقاد	عمل موافق
تحمل	نبود اعتراض	رد و سرکوب نکردن

منبع: بشیریه، ۱۳۷۰: ۱۲۳

همچنین هابرماس تمایزی ظریف بین تساهل و رفتار مدنی^۱ قائل می‌شود: رفتار مدنی بیشتر با جنبه حل و فصل مسائل و رفتار تساهل آمیز، اغلب با اجتناب از نزاع‌های عملی هماهنگ است. رفتار مدنی تا زمانی کفایت می‌کند که مجادله طرفین به موضوع‌هایی مربوط می‌شود که بتوان برای حل و فصل آن‌ها، با زبان مشترک تمامی شهروندان، یعنی اخلاق و قانون، به تصمیم‌هایی مشروع یا حتی به اجماع دست یافت، اما اگر باورهای بنیادین طرفین تصادم داشته باشند و برای فرهنگ سیاسی زبان مشترکی وجود نداشته باشد، انتظار اتفاق نظر و وحدت، به شکل عقلانی وجود ندارد و نه تنها نیاز به رفتار مدنی، بلکه نیاز به تساهل ضروری می‌شود (هابرماس، ۱۳۷۷: ۱۵۵).

پیشینه نظری و تجربی

محققان و پژوهشگران، متغیرهای گوناگونی را معرفی کرده‌اند که قابلیت تأثیرگذاری بر تساهل مذهبی و افزایش آن را دارند. در این بخش، نظریه‌های به کار رفته در این پژوهش و نحوه تأثیرگذاری آن‌ها بر تساهل سیاسی، به اجمال بررسی شده است.

سرمایه اجتماعی^۱

سرمایه اجتماعی، از جمله عواملی است که تساهل مذهبی، برقراری ارتباط با دیگران و تعامل با گروه‌های گوناگون را افزایش می‌دهد. هرچه روابط اجتماعی فرد بیشتر باشد، منابع وی نیز برای کسب اطلاعات و پردازش آن‌ها و آگاهی‌یافتن، بیشتر خواهد بود و برعکس. این روابط اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی و علوم سیاسی معاصر، در مفهوم سرمایه اجتماعی مد نظر قرار گرفته است. سرمایه اجتماعی عبارت است از «مجموعه‌ای هدفمند و ساخت‌یافته از کنش میان اعضای یک گروه یا جامعه که هنجارها و قاعده‌های مختص خود را داراست و تعقیب و دستیابی به اهداف مشترک را تسریع بخشیده و هزینه‌های عمل را کاهش می‌دهد» (عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۶: ۱۹۵). این نوع از سرمایه، از طریق تقویت هنجارهای مستحکم‌ده-بستان، جریان اطلاعات را تسهیل می‌سازد (پیران و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۳؛ پوتنام، ۱۹۹۳: ۳۷؛ دوینینگروم، ۲۰۱۳: ۱۴۷؛ یوزی و دون‌لاپ، ۲۰۰۵: ۵۴). سرمایه اجتماعی، جریان گردش و مبادله اطلاعات را تسریع و تسهیل می‌کند و اطلاعات مفیدی در مورد فرصت‌ها و گزینه‌های مختلف در اختیار افراد قرار می‌دهد (کلمن، ۱۹۹۴: ۳۰۲) و به دلیل همین افزایش گردش اطلاعات، توانایی تأثیرگذاری بر تساهل مذهبی را دارد. به بیان دیگر، تساهل به احتمال زیاد زمانی حاصل می‌شود که اطلاعات، از شبکه‌های گسترده و درعین حال متفاوت، به‌دست آمده باشد (دویدیو و همکاران، ۲۰۰۳؛ کاواکامی و همکاران، ۲۰۰۳).

فرض اساسی و مزیت اصلی سرمایه اجتماعی، فراهم‌آوردن امکان ارزیابی اطلاعات از طریق ایجاد پیوندهای شبکه‌ای^۲ است. شبکه‌های اجتماعی، ارائه اطلاعات به شهروندان را به‌لحاظ کمی و کیفی افزایش می‌دهند و سبب می‌شوند که نگرش افراد به بیرون گروه تغییر یابد (روبینسون، ۲۰۱۰: ۴۹۶). به بیان دیگر، قرارگرفتن در معرض تنوع در شبکه‌ای از روابط اجتماعی، به‌طور معمول برای پرورش و توسعه مهارت‌های شناختی کلی‌تر لازم است و شرایط را برای استفاده از اصول دموکراتیک انتزاعی در رفتار، فراهم می‌سازد. تنوع در عقاید و افکار، انگیزه لازم برای کاهش اتکای کامل بر اعتقادات را فراهم می‌کند و شرایط را برای تجدید نظر در موقعیت یا ارزش‌ها و پذیرش نظرات همکاران مهیا می‌سازد (هارل، ۲۰۱۰: ۷۲۶). فاین معتقد است «سرمایه اجتماعی یک سیستم محوری است که از بروز خشونت و کشمکش جلوگیری

1. Social Capital
2. Network Ties

می‌کند و تساهل را افزایش می‌دهد» (فاین، ۱۳۸۵: ۲۸۵). بعضی از محققان، حضور در انجمن‌های داوطلبانه را موجب افزایش تساهل می‌دانند؛ زیرا این انجمن‌ها، افراد دارای نگرش‌ها و دیدگاه‌های متفاوت را گرد هم می‌آورند و سبب می‌شوند تا نگرش‌های متفاوت در کنار یکدیگر قرار گیرند و تعارض در دیدگاه‌ها کاهش یابد (پوتنام، ۲۰۰۰؛ سیلگر و جوسلین، ۲۰۰۲؛ پاکستون، ۲۰۰۴؛ پیکرینگ، ۲۰۰۶). درمقابل، تساهل‌نداشتن نیز به دلیل نبود مشارکت است که سبب می‌شود تا حضور دیگری متفاوت، منشأ خطر تلقی شود (عسگری و شارع‌پور، ۱۳۸۸: ۲). مشارکت داوطلبانه به فرد اجازه می‌دهد تا تعهدهای خود را به ورای اجتماع‌های طبیعی (مثل خانواده) تعمیم دهد و از این طریق، با اعیان فرهنگی و اجتماعی در عرض جامعه، به‌صورتی عام‌گرایانه‌تر برخورد کند (چلبی، ۱۳۹۱: ۲۴۳)، اما سرمایه اجتماعی انواعی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و سرمایه اجتماعی برون‌گروهی. نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی معتقدند که تمایز میان این دو، تأثیر بسزایی در روند تأثیرگذاری آن دارد. به بیان دیگر، سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک شاخص ترکیبی، از دو جنبه روابط با نزدیکان و افراد ناشناس تشکیل شده است که هر دو این روابط مناسب نیستند و میان آن‌ها تفاوت وجود دارد.

سرمایه اجتماعی درون‌گروهی یا اتصالی^۱ که سرمایه اجتماعی قدیم نیز معرفی شده است، به پیوندهای اجتماعی اشاره دارد که بر تشابه و صمیمیت استوار است. پوتنام از اصطلاح سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، برای انجمن‌هایی استفاده کرده است که با تأکید بر انسجام درونی، به حذف غریبه‌ها می‌پردازند (احمدی فیروزجانی و همکاران، ۱۳۸۵: ۹۶)؛ بنابراین، منافی است که در این گروه به سبب سرمایه اجتماعی حاصل می‌شود، تنها از سوی اعضای گروه و نه همگان بهره‌برداری می‌شود؛ زیرا اعضای این نوع گروه‌ها معمولاً با تعداد اندکی از افراد همسان خود رابطه اجتماعی دارند (ولکوک، ۲۰۰۱: ۱۳). سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، همانند چسب، در جامعه‌شناسی برای حفظ وفاداری در گروه‌ها به‌کار می‌آید (فیلد، ۱۳۸۴: ۵۰؛ الدریج و همکاران، ۲۰۰۲: ۱۱) در این نوع از سرمایه اجتماعی، بر منابع شخصی محدود مثل پیوندهای خانوادگی، همسایگی و پیوندهای دوستی نزدیک تأکید می‌شود. با این‌همه، اکثر اندیشمندان حوزه سرمایه اجتماعی این نوع را نامناسب و ضد توسعه‌ای می‌دانند. پوتنام معتقد است که این نوع از سرمایه

اجتماعی از طریق ایجاد وفاداری درون‌گروهی قوی، سبب بروز تعارض‌های شدید با بیگانگان می‌شود؛ در راستای اهداف بدخواهانه و ضد اجتماعی عمل می‌کند و در رفتارهایی چون فرقه‌گرایی، قوم‌گرایی و تخریب تجلی می‌یابد (پوتنام، ۲۰۰۰: ۲۲). بدین ترتیب، به تحمل‌نکردن و نبود تساهل نسبت به دیگران می‌انجامد و بیگانه یا غیرستیزی را جان می‌بخشد. علاوه بر این، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، جامعه را دچار چنددستگی می‌کند؛ زیرا بعضی از گروه‌ها برای تقویت انسجام درونی‌شان، دیگران را حذف می‌کنند. به همین دلیل نیز این سرمایه، خاصیت طردکنندگی دارد و تأثیری منفی بر معاشرت‌پذیری اجتماعی می‌گذارد (نوغانی و اصغرپور، ۱۳۸۵: ۶۸۱؛ رودت، ۲۰۱۲: ۱۶۶).

در مقابل سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، سرمایه اجتماعی برون‌گروهی یا پیوندی^۱ مطرح می‌شود که پوتنام (۲۰۰۰) آن را به‌عنوان پل ارتباطی گروه‌های اجتماعی گوناگون (تعامل افراد با خارج از محیط بسته) تعریف می‌کند. این نوع از سرمایه اجتماعی به‌صورت خاص به پیوند اجتماع‌ها و افراد اشاره دارد و دارای دو کارکرد اصلی است: تسهیل انتشار اطلاعات و تقویت اتصال با منابع خارجی (موحد و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۷۴). در این نوع سرمایه اجتماعی، تأکید بر پیوندهایی است که اعضای یک گروه با اعضای سایر گروه‌ها برای دسترسی به اطلاعات و حمایت برقرار می‌کنند (آزادارمکی و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۳). پوتنام معتقد است سرمایه اجتماعی برون‌گروهی، افراد متعلق به تقسیم‌بندی‌های اجتماعی متنوع را گرد هم می‌آورد که برای اتصال به ابزارها و امکانات خارجی و نشر اطلاعات مفید است و بینشی جامعه‌شناختی فراهم می‌کند که هویت‌ها و تعامل‌های وسیع‌تری را به‌وجود می‌آورد (پوتنام، ۲۰۰۰: ۲۲). هرچه میزان این نوع از سرمایه اجتماعی در جامعه‌ای بالاتر باشد، امکان انجام توافقات و حل اختلاف‌ها بیشتر می‌شود. به همین دلیل نیز در برابر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی که به چسب اجتماعی شهرت یافته است، سرمایه اجتماعی برون‌گروهی را روغن اجتماعی نامیده‌اند (الدريج و همکاران، ۲۰۰۲: ۱۲)؛ سرمایه اجتماعی برون‌گروهی سبب می‌شود تا از طریق قرارگرفتن افراد در کنار یکدیگر، تضارب آرا کاهش یابد و بر تساهل افراد نسبت به عقاید افزوده شود.

پژوهش‌های داخل و خارج از کشور، تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر تساهل را تأیید کرده‌اند:

سیگلر و جوسلین، ۲۰۰۲؛ موتز، ۲۰۰۲؛ پاکستون، ۲۰۰۴؛ کانویچ، ۲۰۰۴؛ پرین، ۲۰۰۵؛ اسکاچپول و همکاران، ۲۰۰۵؛ کوانتلیر، ۲۰۰۸؛ روینسون، ۲۰۱۰؛ هارل، ۲۰۱۰؛ دیژوپ و کالفانو، ۲۰۱۲؛ رودت، ۲۰۱۲؛ آبانس و همکاران، ۲۰۱۴؛ مقتدایی، ۱۳۸۹؛ جهانگیری و افراسیابی، ۱۳۹۰؛ گلابی و رضایی، ۱۳۹۲؛ شریفی، ۱۳۹۲؛ بهشتی و رستگار، ۱۳۹۲؛ ادیبی سده و همکاران، ۱۳۹۲. تمایز تحقیق حاضر با این پژوهش‌ها این است که علاوه بر بررسی تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر تساهل مذهبی، سرمایه اجتماعی درون و برون‌گروهی را نیز تفکیک می‌کند و تأثیرگذاری آن‌ها را نیز بررسی می‌کند.

تحصیلات

سطح تحصیلات از جمله متغیرهایی است که پژوهش‌های بسیاری بر تأثیرگذاری آن بر تساهل سیاسی تأکید ورزیده‌اند و رابطه مثبت آن با تساهل مذهبی را تأیید کرده‌اند. یکی از مؤثرترین تحلیل‌های نظری درباره چرایی تأثیرگذاری تحصیلات بر تساهل را پارسونز^۱ ارائه کرد. به عقیده وی، با طولانی‌شدن دوره تحصیل، مرحله دیگری در فرایند جامعه‌پذیری صورت می‌گیرد. در این مرحله، افراد شخصیت افتراقی‌تری پیدا می‌کنند و در نتیجه، به ادراک مقوله‌های پیچیده‌تر و درعین حال منطقی‌تری از دنیا دست می‌یابند. طی مراحل تحصیلات دانشگاهی و مواجهه با دنیای تخصص‌های حرفه‌ای و شناخت‌های تخصصی، برای جوانان، جامعه‌پذیری عمیق‌تر و ماندگارتری به وجود می‌آورد (روشه، ۱۳۹۱: ۱۸۸). پیامد این مرحله از جامعه‌پذیری این است که فرد براساس شناخت‌های خود، نگرشی متفاوت به دنیای پیرامون خود خواهد داشت و با تساهل بیشتری دیدگاه‌های موجود درباره مسائل گوناگون، از جمله مسائل سیاسی را تحلیل و بررسی خواهد کرد.

دانیل لرنر نیز معتقد است که ارتقای تحصیلات، از مهم‌ترین عناصر آمادگی ذهنی انسان‌ها برای نوشتن است. به اعتقاد وی، افزایش سطح تحصیلات افراد موجب می‌شود که بیگانگی آن‌ها کاهش یابد (نیازی، ۱۳۹۰: ۳۴). به بیان هانتینگتون (۱۳۷۰: ۵۴) نیز تحصیلات نقشی بنیادی در ایجاد نگرش‌های جدید و به‌طور کلی، انسان نوین ایفا می‌کند. در مجموع باید گفت که افزایش سطح تحصیلات، به دگرپذیری فرد کمک می‌کند و سبب می‌شود تا فرد، افراد بیشتری را با وجود تفاوت‌هایشان بپذیرد و از این طریق، تساهل بیشتری را در مورد افرادی که مانند او

1. Talcott Parsons

نمی‌اندیشند، ابراز کند. از جمله پژوهش‌های داخلی و خارجی که این تأثیرگذاری را تأیید کرده‌اند، عبارت‌اند از: گلوبیوسکا، ۱۹۹۵؛ لائودردالا، ۲۰۰۱؛ کارپوف، ۲۰۰۲؛ وگت، ۲۰۰۲؛ هالپرن، ۲۰۰۴؛ کلمن و وایت، ۲۰۱۱؛ دیچوپ و کالفانو، ۲۰۱۲؛ وایت و روسکام، ۲۰۱۳؛ اسپودل و گرانتو، ۲۰۱۴؛ وادرنول، ۲۰۱۴؛ آزادارمکی و همکاران، ۱۳۸۸؛ ترکارانی، ۱۳۸۸؛ مقتدایی، ۱۳۸۹؛ شریفی، ۱۳۹۲؛ گلابی و رضایی، ۱۳۹۲.

همچنین باید در نظر داشت که افزایش سطح تحصیلات، بر میزان سرمایه اجتماعی فرد نیز تأثیر می‌گذارد. افزایش سال‌های تحصیل، به معنای افزایش تعداد افرادی است که فرد با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کند و موجب گسترش شبکه اجتماعی ارتباط‌های فرد می‌شود؛ بنابراین، تحصیلات از دو طریق، بر تساهل مذهبی تأثیر می‌گذارد: بار اول از طریق مستقیم و از طریق جامعه‌پذیری مجددی که طی آن صورت می‌پذیرد و بار دوم از طریق افزایش سرمایه اجتماعی که این سرمایه اجتماعی عمدتاً از نوع برون‌گروهي است.

متغیرهای زمینه‌ای

در پژوهش‌های مختلف، دو متغیر جمعیت‌شناختی جنسیت و سن نیز وارد تحلیل شده‌اند و رابطه معناداری بین این دو و تساهل مذهبی گزارش شده است. دلیل انتخاب این دو متغیر، تأثیرگذاری این دو در جریان جامعه‌پذیری فرد است. جنسیت و ویژگی‌های آن سبب می‌شود فرد ویژگی‌های خاصی را فراگیرد. همچنین با افزایش سن، اطلاعات و دیدگاه‌های متفاوتی در اختیار فرد قرار می‌گیرد که بر نگرش وی تأثیر می‌گذارد. افزایش سن سبب آشنایی بیشتر فرد با جهان اجتماعی پیرامون خود می‌شود و او را برای پذیرش عقاید گوناگون مستعدتر می‌سازد. بعضی از پژوهش‌هایی که وجود این رابطه را تأیید کرده‌اند، عبارت‌اند از: پاریلو و دونوگیو، ۲۰۰۵؛ دیچوپ و کالفانو، ۲۰۱۲؛ واندرنول، ۲۰۱۴؛ کونجرو، ۲۰۱۴؛ کاسمو و همکاران، ۲۰۱۵؛ کیانی، ۱۳۸۱.

جنسیت و سن نیز بر سرمایه اجتماعی تأثیرگذارند. به دلیل وقوع جامعه‌پذیری جنسیتی، برقراری ارتباطات و کمیت و کیفیت آن در میان مردان و زنان یکسان نیست. به همین سبب زنان مردان به شبکه‌های اجتماعی متفاوتی سوق می‌یابند و به تبع آن، سرمایه اجتماعی متفاوتی دارند (باستانی و صالحی، ۱۳۸۶: ۶۵). افزایش سن نیز موجب ایجاد تغییر در سرمایه اجتماعی

می‌شود؛ زیرا با افزایش سن، فرد وارد گروه‌ها و شبکه‌های کاری و دوستی و... می‌شود و به شبکه گسترده‌تری دست می‌یابد.

همچنین پژوهش‌هایی در داخل کشور صورت پذیرفته است که با عنوان «مدارای اجتماعی»، تساهل مذهبی را نیز بررسی کرده‌اند. جدول ۲ خلاصه‌ای از نتایج این پژوهش‌ها را نشان می‌دهد:

جدول ۲. پیشینه پژوهش‌های داخلی سنجش تساهل مذهبی

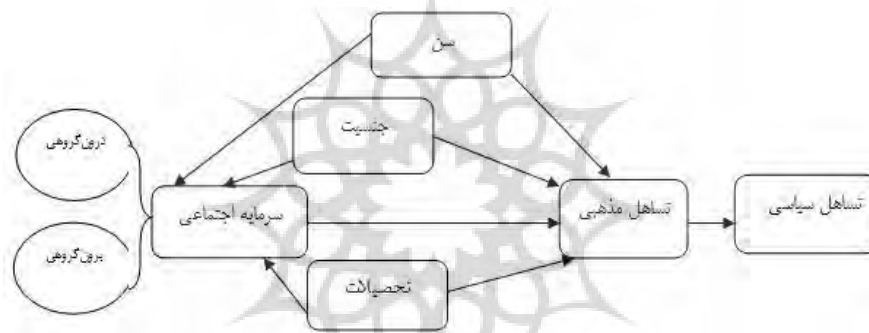
پژوهشگر	سال تحقیق	سطح تساهل
سراج‌زاده و همکاران	۱۳۸۳	بالاتر از میانه
عسگری و شارع‌پور	۱۳۸۸	مطلوب
ترکرانی	۱۳۸۸	متوسط رو به پایین
آزادارمکی و همکاران	۱۳۸۸	مطلوب
مقتدایی	۱۳۸۹	مطلوب
افشار کهن و همکاران	۱۳۹۰	پایین
حاجیلویی	۱۳۹۱	متوسط
بهشتی و رستگار	۱۳۹۲	بالاتر از میانه
نویی و همکاران	۱۳۹۲	بالاتر از میانه

برخلاف این پژوهش‌ها، در پژوهش حاضر برای سنجش تساهل مذهبی، از طیف بودگاردوس استفاده شده است تا فاصله اجتماعی شیعیان ایران با سایر مذاهب اندازه‌گیری شود.

چارچوب نظری

برای افزایش قدرت تبیین، چارچوب نظری پژوهش حاضر تلفیقی است: سرمایه اجتماعی به دلیل درگیرکردن فرد در شبکه‌ای از روابط و در اختیار قراردادن حجم وسیعی از اطلاعات، فرد را یاری می‌رساند تا شناخت بهتری از سایر مذاهب و نحوه زندگی در کنار آن‌ها پیدا کند و از طریق مباحثه و آشنایی بیشتر با آن‌ها، نگرش متفاوتی نسبت بدان‌ها بیابد، اما براساس نظریه پوتنام، این ویژگی را فقط نوع خاصی از سرمایه اجتماعی دارد که وی آن را سرمایه اجتماعی برون‌گروهی یا پیوندی می‌نامد؛ درحالی‌که نوع دیگر سرمایه اجتماعی که برون‌گروهی نام دارد، به این دلیل که فقط بر روابط فرد با گروه خود تأکید می‌ورزد، نه تنها تأثیری بر افزایش تساهل

مذهبی ندارد، بلکه با تقویت نگرش‌های خاص گرایانه، ضمن اثرگذاری منفی بر تساهل مذهبی، انزوای اجتماعی را افزایش می‌دهد؛ بنابراین، در این پژوهش، در کنار بررسی سرمایه اجتماعی، تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی درون و برون‌گروهی نیز مطرح نظر خواهند بود. همچنین با استناد به نظر پارسونز و با توجه به جامعه آماری دانشگاهی، سطوح تحصیلی موجود در دانشگاه و تأثیرگذاری آن‌ها بر تساهل مذهبی مورد نظر است که به گفته پارسونز، به دلیل روی دادن سطح جدیدی از جامعه‌پذیری بر تساهل مؤثر واقع می‌شود. دو متغیر جمعیت‌شناختی جنسیت و سن نیز با استناد به پژوهش‌های پیشین انتخاب شده‌اند. تأثیرگذاری تساهل مذهبی بر تساهل سیاسی نیز بررسی می‌شود. همچنین تأثیرگذاری متغیرهای سن، جنسیت و تحصیلات بر سرمایه اجتماعی نیز مد نظر خواهد بود.



مدل ۱. مدل نظری پژوهش

این مدل نظری در هنگام برآزش، به سه مدل تقسیم خواهد شد: مدل تأثیرگذاری متغیرها بر تساهل مذهبی، مدل تأثیرگذاری تساهل مذهبی بر تساهل سیاسی و در نهایت، مدل تأثیرگذاری متغیرهای سن و جنسیت و تحصیلات بر سرمایه اجتماعی.

فرضیه‌های اصلی

۱. با افزایش سرمایه اجتماعی، تساهل مذهبی نیز افزایش می‌یابد.
۲. سرمایه اجتماعی برون‌گروهی، در مقایسه با سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، تأثیر بیشتری بر تساهل مذهبی دارد.
۳. با افزایش تساهل مذهبی، تساهل سیاسی نیز افزایش می‌یابد.
۴. بین زنان و مردان در تساهل مذهبی، تفاوت معنادار وجود دارد.

۵. بین سطوح مختلف تحصیلات، تفاوت معنادار در تساهل مذهبی وجود دارد.
۶. با افزایش سن، تساهل مذهبی افزایش می‌یابد.

مختصات آماری

«تمامی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه فردوسی مشهد در سال تحصیلی ۹۳-۹۴»، جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل داده‌اند. حدود ۲۱ هزار دانشجوی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در این دانشگاه مشغول به تحصیل‌اند. حجم نمونه با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران، ۴۰۰ نفر تعیین شد. به منظور پوشش دادن هرچه بهتر دانشکده‌های موجود در دانشگاه، ۶۰۰ پرسشنامه توزیع شد که پس از بررسی و حذف پرسشنامه‌های با خطای بالا، ۵۳۸ پرسشنامه تحلیل شدند. در این پژوهش، برای نمونه‌گیری، از نمونه‌گیری طبقه‌ای (دانشکده) و تصادفی استفاده شد. بدین ترتیب که با توجه به حجم جمعیت هریک از دانشکده‌ها، سهم هر دانشکده از تعداد کل جامعه آماری تعیین شد و در نتیجه، پرسشنامه‌ها به تناسب سهم، بین دانشکده‌های نمونه توزیع شد. در این توزیع، دانشجویان رشته‌های مختلف، به روش تصادفی انتخاب شدند. به منظور گردآوری اطلاعات مورد نیاز، از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد. سرمایه اجتماعی در طیف لیکرت و در ابعاد اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شبکه اجتماعی و انسجام اجتماعی سنجش شده است. از آنجاکه هدف، ساخت سرمایه اجتماعی درون و برون‌گروهی بوده است، اعتماد در دو بعد شخصی و تعمیم‌یافته، شبکه در دو بعد عمودی و افقی و انسجام در دو بعد همبستگی با نزدیکان و افراد ناآشنا سنجیده شده است. مقطع تحصیلی در سه سطح (کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری)، سن و جنسیت سنجش شد. برای سنجش تساهل سیاسی، از رویکرد «دوستی حداقل»^۱ استفاده شده است. این رویکرد عبارت است از ارائه لیستی از گروه‌های سیاسی موجود (با قراردادن گروه‌های افراطی و میانه‌رو) و درخواست اعلام نظر از پاسخگو در رابطه با هریک از آنان (پترسون و همکاران، ۲۰۱۰: ۵۸۳؛ هاسن و کونینگام، ۲۰۱۴: ۲۹۲). این رویکرد را سالیوان و همکارانش در سال ۱۹۸۲ طراحی کرده‌اند (گیسون، ۲۰۱۳: ۴۸). برای سنجش تساهل مذهبی نیز از طیف بوگاردوس استفاده شده است.

جدول ۳. پرسشنامه سنجش تساهل مذهبی

مذاهب	سطوح پذیرش
زرتشتی	پذیرش به عنوان همسر
مسیحی	پذیرش به عنوان دوست صمیمی
کلیمی	پذیرش به عنوان همسایه
اهل سنت	پذیرش به عنوان همکار
	پذیرش به عنوان همشهری
	پذیرش به عنوان هموطن
	رد به هر عنوان

پرسشنامه تساهل سیاسی نیز این گونه بوده است:

جدول ۴. پرسشنامه تساهل سیاسی

گروه‌های سیاسی	سطوح پذیرش
مؤتلفه اسلامی	می‌توانند آزادانه عقاید خود را تبلیغ کنند.
کارگزاران	می‌توانند سخنرانی عمومی داشته باشند.
اعتماد ملی	می‌توانند نشریه داشته باشند.
جبهه پایداری	باید فعالیت آن‌ها محدود شود.
جبهه مشارکت	اجازه هیچ گونه فعالیتی ندارند.
انصار حزب‌الله	
نهضت آزادی	

برای بررسی قابلیت اعتماد^۱ پرسشنامه، از آماره آلفای کرونباخ- که میزان همبستگی درونی گویه‌های مربوط به یک شاخص را نشان می‌دهد- استفاده شده است. آلفای محاسبه شده برای شاخص‌های مورد بررسی در جدول زیر آمده است:

جدول ۵. پایایی شاخص‌های پژوهش

شاخص	سرمایه اجتماعی	تساهل مذهبی	تساهل سیاسی
آلفا	۰/۹۱۸	۰/۹۱۶	۰/۹۱۸

تفسیر: تمامی شاخص‌های بررسی شده، میزان آلفای مناسبی دارند؛ بنابراین می‌توان از شاخص‌های مورد نظر، برای آزمون فرضیه‌ها بهره گرفت. برای بررسی اعتبار یا روایی^۱ پرسشنامه در این پژوهش، از روایی سازه^۲ - که به معنای قابلیت پرسش‌ها در انعکاس ویژگی‌های سازه مورد اندازه‌گیری است- و برای روایی سازه، از تحلیل عاملی^۳ استفاده شد. به منظور افزایش دقت، گویه‌هایی که بار عاملی کمتر از ۰/۵ داشتند، در جدول درج نشدند. نتایج تحلیل عاملی در مورد متغیرهای گوناگون، در جداول زیر آمده است:

جدول ۶. تحلیل عاملی تساهل سیاسی

مذهب	زرتشتی	مسیحی	اهل سنت	کلیمی
تحلیل عاملی				
بار عاملی	۰/۹۱۴	۰/۹۱۵	۰/۸۲۹	۰/۹۱۸

تفسیر: مذاهب مطرح شده برای سنجش این متغیر، در یک عامل شناسایی شده است. این بدان معناست که پرسش‌های مطرح شده برای ساخت شاخص مورد نظر، از روایی مطلوبی برخوردار است و می‌توان از ترکیب آن‌ها، شاخص تساهل مذهبی را ساخت.

جدول ۷. تحلیل عاملی سرمایه اجتماعی و تساهل سیاسی

متغیر	تساهل سیاسی	اعتماد	مشارکت	انستجام	شبکه
تحلیل عاملی					
بار عاملی	۰/۷۸۴	۰/۶۳۱	۰/۷۲۰	۰/۶۶۹	۰/۵۹۷

تفسیر: ابعاد طراحی شده برای سنجش متغیر سرمایه اجتماعی، از روایی مناسبی برخوردار است و می‌توان از ترکیب آن‌ها متغیر مورد نظر را ترکیب کرد.

1. Validity
2. Construct Validity
3. Factor Analyze

یافته‌ها

الف) آمار توصیفی

جدول ۸. تقاطع جنسیت و مقطع تحصیلی

جنسیت	مقطع		کارشناسی		ارشد		دکتری		جمع	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
مرد	۵۸	۱۰/۸	۱۸۶	۳۴/۶	۷۹	۱۴/۷	۳۲۳	۶۰/۱		
زن	۵۱	۹/۵	۱۳۰	۲۴/۲	۳۳	۶/۲	۲۱۴	۳۹/۹		
جمع	۱۰۹	۲۰/۳	۳۱۶	۵۸/۸	۱۱۲	۲۰/۹	۵۳۸	۱۰۰		

توصیف: در متغیر جنسیت، اکثریت نسبی، متعلق به مردان با حدود ۶۰ درصد است. در متغیر مقطع تحصیلی نیز دوره کارشناسی ارشد با حدود ۵۹ درصد، اکثریت نسبی را دارد. دوره دکتری، حدود ۲۱ و کارشناسی حدود ۲۰ درصد از حجم نمونه را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۹. میانگین تساهل سیاسی نسبت به مذاهب

شاخص پذیرش	میزان				میانگین (دامنه ۰ تا ۱۰۰)
	فاصله افقی اندک	فاصله افقی متوسط	فاصله افقی زیاد	فاصله عمودی	
مذهب	$\frac{100}{\text{فاصله افقی اندک}}$	$\frac{100}{\text{فاصله افقی متوسط}}$	$\frac{100}{\text{فاصله افقی زیاد}}$	$\frac{100}{\text{فاصله عمودی}}$	
زرتشت	۱۲/۷	۳۶/۵	۷۸	۱۵/۵	۴۷/۵
مسیحی	۱۰/۹	۳۲/۹	۸۹	۱۷/۷	۴۶/۲
اهل سنت	۹/۹	۳۲/۱	۷۲	۱۴/۳	۴۴/۳
کلیمی	۱۰/۷	۲۱/۳	۸۱	۱۶	۴۵/۴

توصیف: میانگین محاسبه شده برای تساهل هریک از مذاهب نسبت به تمامی آن‌ها کمتر از میانه است و این نشانگر نامناسب بودن وضعیت این متغیر در نمونه مورد بررسی است. با وجود این، ترتیب تساهل نسبت به مذاهب از سوی پاسخگویان شیعه بدین گونه است: زرتشت، مسیحی، کلیمی و سنی.

جدول ۱۰. توزیع پاسخگویان در متغیرها

متغیرها	گزینه‌ها	فراوانی	درصد	متغیرها	گزینه‌ها	فراوانی	درصد	
متغیرها	پذیرش	۶۰	۱۱/۹	متغیرها	پایین	۱۲۰	۲۲/۳	
	فاصله افقی	۳۸۶	۷۶/۶		متوسط	۳۴۳	۶۳/۸	
	فاصله عمودی	۵۸	۱۱/۵		بالا	۷۵	۱۳/۹	
	جمع	۵۰۴	۱۰۰		جمع	۵۳۸	۱۰۰	
				میانگین: ۴۵/۸	میانگین: ۵۵/۲			
سرمایه اجتماعی	پایین	۳۳	۶/۱	سرمایه اجتماعی	پایین	۱۹۵	۳۶/۲	
	متوسط	۱۹۸	۳۶/۸		متوسط	۲۸۶	۵۳/۱	
	بالا	۳۰۷	۵۷/۱		بالا	۵۷	۱۰/۷	
	جمع	۵۳۸	۱۰۰		جمع	۵۳۸	۱۰۰	
				میانگین: ۶۸/۷	میانگین: ۴۱/۹			
سن	زیر ۲۰ سال	۳۳	۶/۲	سن	پایین	۲۶۹	۵۰	
	بین ۲۰ تا ۳۰	۴۳۴	۸۰/۷		متوسط	۱۲۳	۲۲/۹	
	بالتر از ۳۰	۷۱	۱۳/۱		بالا	۱۴۶	۲۷/۱	
	جمع	۵۳۸	۱۰۰		جمع	۵۳۸	۱۰۰	
				میانگین: ۲۶/۵	میانگین: ۴۴/۲			

توصیف: در متغیر تساهل مذهبی - که با طیف بوگاردوس و تقسیم آن به سه دسته تساهل کامل نسبت به مذاهب، نگرش به مذاهب با دیدگاه فاصله افقی و رد مذاهب یا داشتن دیدگاهی براساس فاصله عمودی صورت پذیرفت - این نتایج به دست آمد: حدود ۱۲ درصد، پذیرش کامل مذاهب دیگر و همین حدود نیز رد مذاهب دیگر را انتخاب کرده‌اند. اکثریت پاسخگویان، قائل به فاصله افقی میان خود و دیگر مذاهب بوده‌اند. این شرایط سبب شده است تا میانگین این متغیر در شرایط مناسبی قرار نگیرد و کمتر از حد میانه باشد (میانگین ۴۵/۸ از ۱۰۰). به بیان دیگر، تساهل مذهبی در نمونه مورد بررسی، شرایط مناسبی ندارد. در متغیر سرمایه اجتماعی، اکثریت نسبی را گزینه متوسط به خود اختصاص داده است و گزینه‌های بعدی به ترتیب، سرمایه اجتماعی پایین و سپس سرمایه اجتماعی بالاست. حضور بیش از ۶۰ درصد پاسخگویان در گزینه متوسط، میانگین را نیز در حد میانه قرار داده است (میانگین ۵۵ از ۱۰۰ که میزان اندکی از حد میانه بالاتر است).

در سرمایه اجتماعی اتصالی یا درون گروهی، اکثریت نسبی پاسخگویان (بیش از ۵۷ درصد)، میزان بالا و کمتر از ۱۰ درصد سطح پایین سرمایه اجتماعی را گزارش کرده‌اند. به همین دلیل، میانگین این نوع از سرمایه اجتماعی، در سطح بسیار مطلوبی قرار گرفته است (میانگین ۶۹ از ۱۰۰). در سرمایه اجتماعی پیوندی یا برون گروهی، اکثریت نسبی را سطح متوسط دارد، اما به دلیل اینکه بیش از ۳۶ درصد نیز سطح پایین در این متغیر را انتخاب کرده‌اند، میانگین این متغیر کاهش یافته است (میانگین ۴۱ از ۱۰۰)؛ بنابراین، اگر میانگین شاخص ترکیبی سرمایه اجتماعی در حد متوسط قرار گرفته است، به دلیل پایین بودن نوع برون گروهی آن است. در متغیر تساهل سیاسی، بیشتر پاسخگویان، تساهل در سطح پایین را انتخاب کرده‌اند؛ به طوری که درصد این گروه، به اندازه جمع پاسخگويانی است که تساهل سیاسی متوسط و بالا را انتخاب کرده‌اند. بازتاب این وضعیت، در میانگین این متغیر پدیدار شده است (میانگین ۴۴ از ۱۰۰). در متغیر سن نیز با توجه به میانگین و توزیع پاسخگویان، اکثریت مطلق پاسخگویان بین ۲۰ تا ۳۰ سال هستند.

ب) تحلیل

آزمون فرضیه‌ها

با توجه به نوع شاخص‌های سنجیده شده، دو نوع آماره برای آزمون فرضیه‌ها انتخاب شدند؛ برای شاخص‌هایی که در سطح سنجش فاصله‌ای بودند، از آزمون همبستگی پیرسون^۱ (جدول ۱۱) و برای شاخص‌هایی که در سطح سنجش ترتیبی و اسمی بودند، از آماره تفاوت میانگین‌ها^۲ (جدول ۱۳) استفاده شد.

جدول ۱۱. آزمون فرضیه‌ها مبتنی بر همبستگی پیرسون

شماره فرضیه	متغیر وابسته	متغیر مستقل	معناداری	شدت همبستگی	نتیجه آزمون
۱	سرمایه اجتماعی	سرمایه اجتماعی	۰/۰۰۰	۰/۳۶۴*	تأیید
۲	تساهل مذهبی	سرمایه اجتماعی اتصالی	۰/۲۲۱	۰/۱۶۶	رد
۲	تساهل مذهبی	سرمایه اجتماعی پیوندی	۰/۰۰۰	۰/۵۳۴*	تأیید
۵	سن	سن	۰/۴۱۰	۰/۱۱۳	رد

* معناداری در سطح ۰/۰۱

1. Pearson Correlation

2. T-test

تفسیر: فرضیه ۱ که وجود رابطه میان افزایش سرمایه اجتماعی و تساهل مذهبی است، تأیید می‌شود؛ بنابراین، به احتمال ۹۹ درصد، با افزایش سرمایه اجتماعی، تساهل مذهبی نیز افزایش خواهد یافت. در باب فرضیه ۲ که تفاوت تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی درون و برون‌گروهی طرح شد، نتایج آزمون نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، رابطه معناداری با تساهل مذهبی ندارد و در مقابل، سرمایه اجتماعی برون‌گروهی، دارای چنین رابطه‌ای است. شایان ذکر است که شدت همبستگی شاخص ترکیبی سرمایه اجتماعی، کمتر از سرمایه اجتماعی برون‌گروهی است که این امر نیز تأیید می‌کند که سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، سبب کاهش تأثیرگذاری شاخص ترکیبی سرمایه اجتماعی شده است. متغیر سن نیز رابطه معناداری با تساهل مذهبی ندارد.

جدول ۱۲. آزمون فرضیه تأثیر تساهل مذهبی بر تساهل سیاسی

شماره فرضیه	متغیر وابسته	متغیر مستقل	معناداری	شدت همبستگی	نتیجه آزمون
۳	تساهل سیاسی	تساهل مذهبی	۰/۰۰۰	۰/۵۹۴*	تأیید
* معناداری در سطح ۰/۰۱					

تفسیر: فرضیه تأیید می‌شود؛ افزایش تساهل مذهبی، به احتمال ۹۹ درصد سبب افزایش تساهل سیاسی می‌شود.

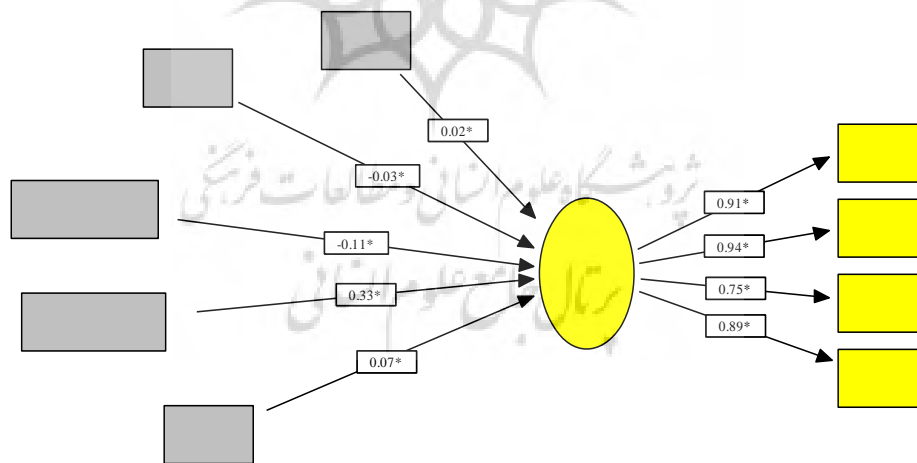
جدول ۱۳. آزمون فرضیه‌ها مبتنی بر تفاوت میانگین‌ها

شماره فرضیه	متغیر آزمون	نوع آزمون	معناداری	نتیجه
۳	جنسیت	Independent Sample T-test	۰/۰۲۴	تأیید
۴	مقطع تحصیلی	Anova	۰/۰۳۲	تأیید

تفسیر: در متغیر جنسیت، با توجه به میانگین (۴۲ برای دختران و ۵۰ برای پسران) و همچنین سطح خطای ۰/۰۱، به احتمال ۹۹ درصد، تفاوت مشاهده‌شده در میان دختران و پسران معنادار است؛ بنابراین، متغیر جنسیت و جامعه‌پذیری که در مورد این دو صورت می‌پذیرد، بر تساهل مذهبی مؤثر است. در متغیر مقطع تحصیلی، با توجه به میانگین محاسبه‌شده (کارشناسی: ۴۱/۴، ارشد: ۴۶/۲، دکتری: ۵۲/۱) تفاوت مشاهده‌شده معنادار است و به احتمال ۹۹ درصد، سطح بالای تحصیلات، به تساهل مذهبی بیشتر منجر می‌شود.

مدل معادله‌های ساختاری^۱

برای تبیین بهتر و بررسی دقیق‌تر داده‌ها، با استفاده از نرم‌افزار EQS رابطه میان متغیرهای سنجیده‌شده را بررسی کردیم. مدل‌سازی معادله‌های ساختاری، ابزاری است در دست محقق برای بررسی ارتباطات میان چندین متغیر در یک مدل. مدل معادله‌های ساختاری، مدل نظری فرض‌شده را به صورت کمی آزمایش می‌کند و رابطه میان متغیرهای مشاهده‌شده را نشان می‌دهد. به طور خاص‌تر، مدل‌هایی که چگونگی تعریف مجموعه متغیرها از یک سازه و نیز کیفیت ارتباط این سازه‌ها را در خود دارند، در معادله‌های ساختاری قابل آزمون‌اند. به بیان دیگر، مدل معادله‌های ساختاری نشان می‌دهد چگونه متغیرها در پیوند با یکدیگر قرار گرفته‌اند. در معادله ساختاری، رگرسیون، تحلیل عاملی و تحلیل مسیر در کنار یکدیگر بررسی می‌شوند (شارع‌پور، ۱۳۸۰: ۲۰۷) و به همین دلیل، تصویری بهتر از نحوه تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را به نمایش می‌گذارد. استفاده از مدل‌سازی معادله‌های ساختاری، مزایای بسیاری دارد که بعضی از آن‌ها عبارت‌اند از: الف) تخمین روابط چندگانه، ب) قابلیت بررسی تأثیر هم‌خطی، پ) آزمون روابط جعلی و غیر واقعی. برازش مدل طراحی‌شده برای بررسی رابطه میان متغیرهای انتخاب‌شده، در مدل زیر به تصویر کشیده شده است:



مدل ۲. برازش مدل پژوهش

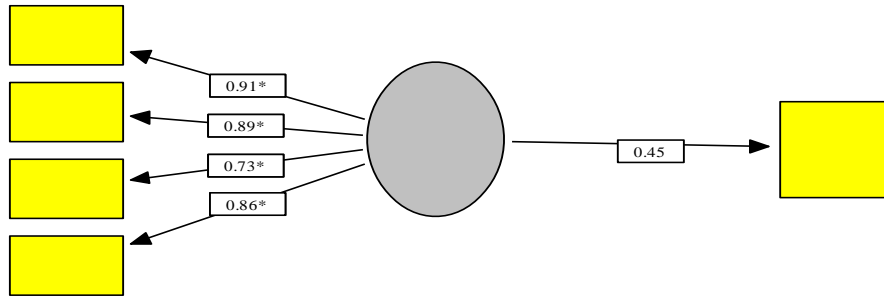
جدول ۱۴. برازش مدل پژوهش

آماره	CFI	GFI	BONETT	NFI	IFI	MFI	AGFI	Q2	RMSFA
میزان	۰/۹۴۳	۰/۹۴۲	۰/۹۳۲	۰/۹۳۸	۰/۹۴۳	۰/۹۲۳	۰/۹۸۱	۵۶/۶	۰/۰۰۰

تفسیر: درباره آماره‌های آورده شده باید یادآور شد که هفت آماره (GFI- MFI-CFI) - تأثیرگذاری نگرش به مذهبی که در متغیر تساهل مذهبی سنجیده شده‌اند، نشان می‌دهد که ترتیب تأثیرگذاری در ساخت شاخص تساهل مذهبی عبارت است از: مسیحی، زرتشتی، کلیمی و اهل سنت. در میان متغیرهای مورد بررسی نیز پس از حذف همپوشانی میان متغیرها و تحلیل مسیر در مدل مورد نظر، سرمایه اجتماعی برون‌گروهی، بیشترین تأثیرگذاری را با ضریب ۳۳ دارد. همچنین در مدل مشخص شده است که ضریب تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی درون‌گروهی با حذف همپوشانی‌ها، منفی است؛ به بیان دیگر، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، موجب تقویت تعصب مذهبی و تضعیف تساهل مذهبی است. متغیر تحصیلات - که با توجه به میانگین‌های محاسبه شده تساهل مذهبی آن‌ها و برای ورود به معادله ساختاری، به دو دسته تحصیلات تکمیلی و دوره کارشناسی تقسیم شد - دارای تأثیرگذاری بعدی بر تساهل مذهبی است (ضریب ۷). متغیر جنسیت با ضریب تأثیرگذاری ۲، در رتبه بعدی تأثیرگذاری بر تساهل سیاسی انتخاب شده است. در مورد متغیر سن نیز اگرچه فرضیه آن رد شد، در معادله ساختاری، شدت همبستگی منفی برای آن محاسبه شده است.

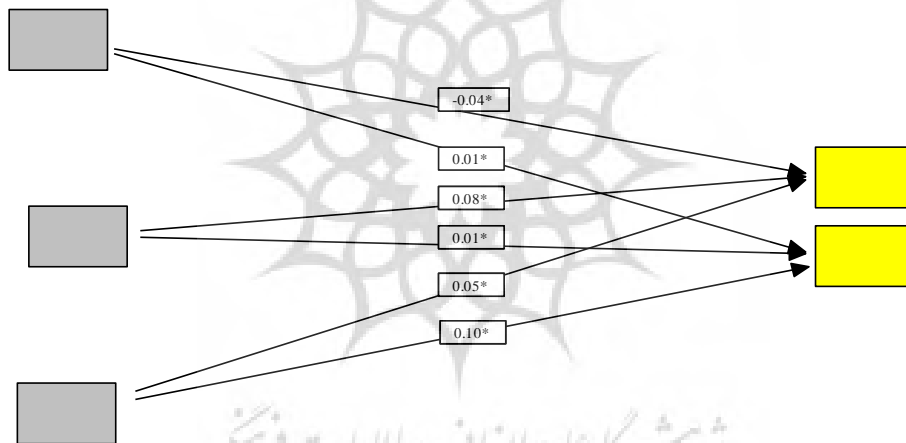
تفسیر نتایج مدل معادله‌های ساختاری

تأثیرگذاری نگرش به مذهبی که در متغیر تساهل مذهبی سنجیده شده‌اند، نشان می‌دهد که ترتیب تأثیرگذاری در ساخت شاخص تساهل مذهبی عبارت است از: مسیحی، زرتشتی، کلیمی و اهل سنت. در میان متغیرهای مورد بررسی نیز پس از حذف همپوشانی میان متغیرها و تحلیل مسیر در مدل مورد نظر، سرمایه اجتماعی برون‌گروهی، بیشترین تأثیرگذاری را با ضریب ۳۳ دارد. همچنین در مدل مشخص شده است که ضریب تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی درون‌گروهی با حذف همپوشانی‌ها، منفی است؛ به بیان دیگر، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، موجب تقویت تعصب مذهبی و تضعیف تساهل مذهبی است. متغیر تحصیلات - که با توجه به میانگین‌های محاسبه شده تساهل مذهبی آن‌ها و برای ورود به معادله ساختاری، به دو دسته تحصیلات تکمیلی و دوره کارشناسی تقسیم شد - دارای تأثیرگذاری بعدی بر تساهل مذهبی است (ضریب ۷). متغیر جنسیت با ضریب تأثیرگذاری ۲، در رتبه بعدی تأثیرگذاری بر تساهل سیاسی انتخاب شده است. در مورد متغیر سن نیز اگرچه فرضیه آن رد شد، در معادله ساختاری، شدت همبستگی منفی برای آن محاسبه شده است.



مدل ۳. برازش مدل تأثیر تساهل مذهبی بر تساهل سیاسی

تفسیر: تأثیرگذاری تساهل مذهبی بر افزایش تساهل سیاسی تأیید می‌شود؛ بنابراین هرچه تساهل مذهبی افزایش یابد، تساهل سیاسی فرد و نگرش وی نیز در عرصه سیاسی تقویت می‌شود.



مدل ۴. برازش مدل تأثیر جنسیت، تحصیلات و سن بر سرمایه اجتماعی

تفسیر: همچنان‌که در بخش نظری مطرح شد، جامعه‌پذیری جنسیتی، بر نوع سرمایه اجتماعی تأثیرگذار است. نتیجه برازش مدل نشان می‌دهد که متغیر جنسیت، تأثیرگذاری بیشتری بر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی داشته است. متغیر سن بر هر دو نوع سرمایه اثرگذار است که تأثیرگذاری بر نوع برون‌گروهی، مثبت و بر درون‌گروهی، منفی است. همچنین سطح تحصیلات نیز بر هر دو نوع سرمایه اجتماعی تأثیرگذار بوده است که تأثیرگذاری آن بر نوع برون‌گروهی، دو برابر تأثیرگذاری بر نوع درون‌گروهی است.

نتیجه‌گیری

سنجش تساهل مذهبی دانشجویان شیعه نسبت به ادیان رسمی کشور حکایت از آن دارد که در نگرش آنان، فاصله اجتماعی نسبتاً زیادی در قبال این مذاهب وجود دارد که سبب شده است تا میانگین تساهل مذهبی با افت مواجه شود و در وضعیت نامطلوبی قرار گیرد. در این میان، مهم آن است که در بین این مذاهب، مذهب سنی که بیشترین قرابت را با شیعه دارد، دارای بدترین وضعیت است. این امر نشان می‌دهد که نداشتن تساهل نسبت به بزرگ‌ترین اقلیت مذهبی کشور- که اشتراک‌هایی با شیعیان نیز دارد- ممکن است تبدیل به یک شکاف اجتماعی شود. علاوه بر این، باید در نظر داشت که عمده جمعیت اهل سنت ایران، ساکن مناطق مرزی کشور نیز هستند که این نیز تشدیدکننده چالش‌های احتمالی است. خروجی این پژوهش نشان می‌دهد که یکی از دلایل عمده نبود تساهل مذهبی، اندک بودن روابط اجتماعی افراد با بیرون از دایره نزدیکان است که در اصطلاح، سرمایه اجتماعی برون‌گروهی نامیده می‌شود. روابط فرد با افرادی بیرون از نزدیکان خود سبب می‌شود تا اطلاعات و آگاهی وی نسبت به جریان‌های موجود در جامعه افزایش پیدا کند و به تبع آن، تساهل‌ورزی بیشتری از خود بروز دهد، اما میانگین حاصل برای سرمایه اجتماعی برون‌گروهی، پایین‌تر از حد میانه قرار دارد که نشان‌دهنده نامناسب بودن آن است. در مقابل، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی که بر روابط محدود با نزدیکان و افراد همفکر تأکید دارد و مانع آشنایی فرد با دنیای خارج از گروه می‌شود، در نمونه مورد بررسی وضعیت مطلوبی دارد؛ بنابراین، شدت روابط درون‌گروهی در برابر اندک بودن روابط برون‌گروهی سبب شده است تا همچنان‌که پوتنام اشاره می‌کند، با بیگانگان تعارض ایجاد شود و تساهل نسبت به مذاهب دیگر، کاهش یابد. به بیان دیگر و با استناد به نتایج معادله ساختاری، سرمایه اجتماعی برون‌گروهی، تأثیر مثبتی بر تساهل مذهبی افراد داشته است و در مقابل، افرادی که سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بیشتری داشته‌اند، دارای تساهل مذهبی کمتری بوده‌اند. به همین سبب، در معادله ساختاری، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، دارای ضریب تأثیرگذاری منفی شده است. نتیجه آنکه برای بهبود تساهل مذهبی باید به تقویت روابط افراد با افراد ناآشنا پرداخت تا از طریق روابط با اندیشه‌های گوناگون و شناخت آن‌ها، تساهل نسبت به مذاهب و عقاید مختلف افزایش یابد. همچنین باید براساس نتایج معادله ساختاری، نظر پارسونز را تأیید کرد که معتقد است افزایش دوره تحصیل سبب می‌شود تا دوره جامعه‌پذیری جدید در فرد

صورت پذیرد و نگرش وی تغییر یابد. اگرچه ضریب تأثیرگذاری آن چندان زیاد نیست، تأثیرگذاری مثبت آن تأیید می‌شود؛ ضمن اینکه تأثیرگذاری این متغیر بر سرمایه اجتماعی برون‌گروهی، بالاتر از تأثیرگذاری آن بر نوع درون‌گروهی سرمایه اجتماعی است که این امر نشان می‌دهد که بخشی از تأثیرگذاری این متغیر بر تساهل مذهبی، از طریق بهبود سرمایه اجتماعی برون‌گروهی رخ می‌دهد. در مورد متغیر جنسیت نیز همین نکته صدق می‌کند و پسران تساهل مذهبی بیشتری را ابراز کرده‌اند. این امر نشان می‌دهد که پسران، جامعه‌پذیری متفاوتی با دختران دارند. این جامعه‌پذیری متفاوت، بر نوع سرمایه اجتماعی نیز تأثیرگذار بوده و سبب شده است تا دختران سرمایه اجتماعی برون‌گروهی کمتری نسبت به پسران داشته باشند. متغیر سن نیز در معادله ساختاری، دارای ضریب تأثیرگذاری منفی شناسایی شده است؛ بدین معنا که هرچه سن افزایش می‌یابد، حق‌انگاری فرد در مورد مذهب خود و طرد سایرین نیز بیشتر می‌شود. در مورد تأثیرگذاری تساهل مذهبی بر تساهل سیاسی نیز همچنان که پیشینه نظری و تجربی در این زمینه بیان می‌دارند، معادله ساختاری پژوهش حاضر نشان می‌دهد که افرادی که دارای تساهل مذهبی بالاتری بوده‌اند، تساهل سیاسی بالاتری داشته‌اند. به بیان دیگر، تأثیرگذاری تساهل مذهبی بر تساهل سیاسی تأیید شده است. فرجام سخن آنکه از آنجاکه در کشور ما مذاهب مختلفی رسمیت دارند و براساس قانون (اصل ۱۲ قانون اساسی) می‌توانند آزادانه اعمال مذهبی خود را انجام دهند، مدارای این مذاهب با یکدیگر، امری مهم برای جلوگیری از درگیری‌های مذهبی و اعتقادی است؛ زیرا نقطه آغاز کشمکش و خشونت میان صاحبان اندیشه‌های مختلف، اعتقاد به نوعی جزمیت و مطلق‌انگاری و رفتار دگم با اندیشه‌های مخالف است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اکثریت شیعه مورد بررسی، نگرش چندان مناسبی نسبت به سایر مذاهب رسمی کشور و به‌ویژه «اهل سنت» ندارند. این در حالی است که اگر تساهل مذهبی وجود نداشته باشد و هر فرد، مذهب خود را «حق» بداند و مذهب دیگران را «باطل»، فقط یک راه گشوده می‌ماند و آن رد، طرد، تکفیر و توسل به خشونت است.

منابع

- احمدی فیروزجائی، علی؛ صدیقی، حسن؛ محمدی، محمدعلی (۱۳۸۵)، «مقایسه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی کشاورزان عضو و غیر عضو تعاونی‌های تولید روستایی»، رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳: ۹۳-۱۱۲.

- ادیبی سده، مهدی؛ رستگار، یاسر؛ بهشتی، سید صمد (۱۳۹۲)، «مدارای اجتماعی و ابعاد آن»، رفاه اجتماعی، دوره سیزدهم، شماره ۵۰: ۳۸۰-۳۵۳.
- افشار کهن، جواد؛ بلالی، اسماعیل؛ سلیمان پور، محمدعلی (۱۳۹۰)، «بررسی وضعیت عرفی شدن دانشجویان و برخی عوامل مؤثر بر آن در میان دانشجویان دختر و پسر دانشگاه بوعلی سینا»، **جامعه‌شناسی کاربردی**، سال بیست و دوم، شماره ۴۱: ۱۵۸-۱۳۵.
- آزاد ارمکی، تقی؛ شارع پور، محمود، عسکری، علی (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با مدارا در بین دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبایی»، **جامعه‌شناسی ایران**، دوره دهم، شماره ۱: ۹۸-۶۴.
- باستانی، سوسن؛ صالحی، مریم (۱۳۸۶)، «سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت: بررسی ویژگی‌های ساختی، تعاملی و کارکردی شبکه اجتماعی زنان و مردان در تهران»، **نامه علوم اجتماعی**، شماره ۳۰: ۹۵-۶۳.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۰)، «پیش درآمدی بر تاریخ اندیشه تساهل سیاسی»، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران**، شماره ۲۶: ۱۵۲-۱۱۹.
- بهشتی، سید صمد؛ رستگار، یاسر (۱۳۹۲)، «تبیین جامعه‌شناختی مدارای اجتماعی و ابعاد آن در میان اقوام ایرانی»، **مسائل اجتماعی ایران**، سال چهارم، شماره ۲: ۳۵-۷.
- پیران، پرویز؛ موسوی، میر طاهر؛ شیانی، ملیحه (۱۳۸۵)، «کار پایه مفهومی و مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی»، **رفاه اجتماعی**، دوره ششم، شماره ۲۳: ۴۴-۹.
- ترکرانی، مجتبی (۱۳۸۸)، «بررسی و سنجش وضعیت مدارای اجتماعی در لرستان»، **بررسی مسائل اجتماعی ایران**، سال اول، شماره ۳: ۱۵۷-۱۳۳.
- جهانگیری، جهانگیر؛ افراسیابی، حسین (۱۳۹۰)، «مطالعه خانواده‌های شهر شیراز در زمینه عوامل و پیامدهای مدارا»، **جامعه‌شناسی کاربردی**، سال بیست و دوم، شماره ۴۳: ۱۷۵-۱۵۳.
- چلبی، مسعود (۱۳۹۱)، **جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی**، تهران: نشر نی، چاپ ششم.
- حاجیلویی، طیبه (۱۳۹۱)، **مدارای مذهبی و عوامل مؤثر بر در بیم مردم شهر همدان در سال ۱۳۹۰**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی.
- روشه، گی (۱۳۹۱)، **جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز**، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: نشر نی.

- سراج زاده، سید حسین؛ شریعتی مزینانی، سارا؛ صابر، سیروس (۱۳۸۳)، «بررسی رابطه میزان دین‌داری و انواع آن با مدارای اجتماعی»، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، دوره اول، شماره ۴: ۱۴۲-۱۰۹.
- شارع پور، محمود (۱۳۸۰)، «مدل‌سازی معادله ساختاری، آشنایی با کاربردهای برنامه لیزرل در تحقیقات اجتماعی»، *علوم اجتماعی دانشگاه علامه*، شماره ۱۴-۱۳: ۲۳۲-۲۰۵.
- شریفی، سمیرا (۱۳۹۲)، *سنجش مدارای اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در بین شهروندان ساکن تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء - دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی.
- عبدالحی، محمد؛ موسوی، میر طاهر (۱۳۸۶)، «سرمایه اجتماعی در ایران، وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان شناسی گذار»، *رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۵: ۲۳۴-۱۹۵.
- عسگری، علی؛ شارع پور، محمود (۱۳۸۸)، «گونه شناسی مدارا و سنجش آن در میان دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبائی»، *تحقیقات فرهنگی*، دوره دوم، شماره ۸: ۴۰-۷.
- فاین، بن (۱۳۸۵)، *سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی*، ترجمه محمد کمال سروریان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- فتحعلی، محمود (۱۳۷۸)، *تسامح و تساهل: اخلاقی، دینی، سیاسی، قم: موسسه فرهنگی طه*.
- فولادی، محمد (۱۳۷۹)، «تساهل و تسامح از منظر دینی»، *معرفت*، شماره ۳۵: ۱۰۸-۱۰۰.
- فیلد، جان (۱۳۸۴)، *سرمایه اجتماعی*، ترجمه جلال متقی، تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- کیانی، مزده (۱۳۸۱)، «عوامل جمعیت‌شناختی مؤثر بر فاصله اجتماعی آرامنه استان اصفهان»، *کاوش نامه زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۵ و ۶: ۲۲۸-۲۱۵.
- گلابی، فاطمه؛ رضایی، اکرم (۱۳۹۲)، «بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی در بین دانشجویان»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره دوم، شماره ۱: ۸۶-۶۱.
- مقتدایی، فاطمه (۱۳۸۹)، *بررسی و سنجش میزان مدارای اجتماعی و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن در شهر اهواز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی.

- موحد، مجید؛ حلیمه، عنایت؛ پورنعمت، آرش (۱۳۸۷)، «بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان»، *پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی: ویژه‌نامه پژوهش‌های اجتماعی*: ۱۹۰-۱۶۱.
- نوایی، عبدالرضا؛ فتاحی، تورج؛ حسین زاده، علی حسین (۱۳۹۲)، «مدارای بین نسلی؛ تفاوت یا توافق (مطالعه موردی: کلان‌شهر اهواز)»، *دانش انتظامی استان خوزستان*، شماره ۵: ۱۱۸-۱۰۳.
- نوغانی، محسن؛ اصغریپور ماسوله، احمدرضا (۱۳۸۵)، «سرمایه اجتماعی و آموزش غیر رسمی برای توانمندسازی محرومین اجتماعی»، *مجموعه مقالات اولین همایش آموزش و یادگیری غیر رسمی*، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد: ۶۸۴-۶۶۸.
- نیازی، محسن (۱۳۹۰)، «تبیین رابطه بین سطح تحصیلات و میزان انسجام ملی و اجتماعی شهروندان»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال دوازدهم، شماره ۴: ۵۰-۳۱.
- هابرماس، یورگن (۱۳۷۷)، «کنش ارتباطی؛ بدیل خشونت»، ترجمه ابراهیم سلطانی، *کیان*، شماره ۴۵: ۱۵۷-۱۵۹.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰)، *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.
- Abanes, Menandro. Scheeper, Peer. Sterkens, Carl (2014), "Ethno-religious groups, identification, trust and social distance in the ethno-religiously stratified Philippines", **Research in Social Stratification and Mobility**, Vol 37, pp: 61° 75.
- Abdul Rahman, Nur Farhana. Khambali, Khadijah Mohd (2013), "Religious Tolerance in Malaysia: Problems and Challenges", *International Journal of Islamic Thought*, Vol 3, pp: 81-91.
- Agius, Emmanuel. Ambrosewic, Jolanta (2003), "Toward a Culture of Tolerance & Peace". Saint-Mathieu street Montréal (Quebec) Canada, <http://www.ibcr.org/images/contenu/publications/2003-tolerance-peace-en.pdf>.
- Aldridge, Stephen. Halpern, David. Fitzpatrick, Sarah (2002), **Social Capital: A Discussion Paper**, Performance and Innovation Unit Admiralty Arch The Mall, London.
- Al Sadi, Fatma. Basit, Tehmina (2013), "Religious tolerance in Oman: addressing religious prejudice through educational intervention", **British Educational Research Journal**, Vol 39, No 3, pp: 447° 472.
- Aosved, Allison. Long, Patricia. Voller, Emily (2009), "Measuring Sexism, Racism, Sexual Prejudice, Ageism, Classism, and Religious Intolerance: The Intolerant Schema Measure", **Journal of Applied Social Psychology**, Vol 39, No 10, pp. 2321° 2354.
- Balint, Peter (2014), "Acts of tolerance: A political and descriptive account, European", **Journal of Political Theory**, Vol 13, No 3, pp: 264° 281.
- Beatty, Kathleen. Walter, Oliver (1984), "Religious Preference and Practice: Reevaluating their Impact on Political Tolerance," **Public Opinion Quarterly**, Vol 48, pp: 318-29.
- Bogardus, Emory (1928), "Occupational Distance", **Sociology and Social Research**, Vol 13, pp: 73-81.
- Cavan, Ruth Shonle (1971), "A Dating-Marriage Scale of Religious Social Distance", **Journal for the Scientific Study of Religion**, Vol 10, No 2, pp: 93-100.

- Cigler, Allan. Joslyn, Mark (2002). "The Extensiveness of Group Membership and Social Capital: The Impact of Political Tolerance Attitudes", **Political Research Quarterly**, Vol 55, No 1, pp: 7-25.
- Coleman, James (1994), **Foundations of Social Theory**, Harvard University Press.
- Coleman, Elizabeth Burns. White, Kevin (2011), **Religious Tolerance, Education and the Curriculum**, Sense Publishers, Netherlands.
- Conejero, Susana. Etxebarria, Itziar. Montero, Ignacio (2014), "Gender Differences in Emotions, Forgiveness and Tolerance in Relation to Political Violence", **Spanish Journal of Psychology**, Vol 17, pp: 1° 15.
- Djupe, Paul. Calfano, Brian (2012), "Religious Value Priming, Threat, and Political Tolerance", **Political Research Quarterly**, Vol 66, No 4, pp: 767-779.
- Dovidio, John. Gaertner, Samuel. Kawakami, Kerry (2003), "Intergroup Contact: The Past, Present and Future", **Group Processes and Intergroup Relations**, Vol 6, No, 1, pp: 5-21.
- Dwiningrum, Siti Irene Astuti (2013), "Nation's Character Education Based on the Social Capital Theory", **Asian Social Science**, Vol 9, No12, pp: 144-155.
- Ellison, Christopher. Musick, Marc (1993), "Southern Intolerance: A Fundamentalist Effect?" **Social Forces**, Vol 72, pp: 379-98.
- Galeotti, Anna (2001), "Do We Need Toleration as a Moral Virtue", **Respublica**, Vol 7, No 3, pp: 273-292.
- Froese, Paul. Bader, Christopher. Smith, Buster (2008), "Political Tolerance and God's Wrath in the United States", **Sociology of Religion**, Vol 69, No 1, pp: 29-44.
- Gay, David. Ellison, Christopher (1993), "Religious Subcultures and Political Tolerance: Do Denominations Still Matter?" **Review of Religious Research**, Vol 34, pp: 311-32.
- Gibson, James (2013), "Measuring Political Tolerance and General Support for Pro-Civil Liberties Policies. Notes, Evidence, and Cautions", **Public Opinion Quarterly**, Vol 77, pp: 45° 68.
- Golebiowska, Ewa (1995), "Individual Value Priorities, Education, and Political Tolerance", **Political Behavior**, Vol 17, pp: 23-48.
- Haasan, Ingrid Johnsen. Cunningham, William (2014), "The Uncertainty Paradox: Perceived Threat Moderates the Effect of Uncertainty on Political Tolerance", **Political Psychology**, Vol 35, No 2, pp. 291° 302.
- Halpern, Leah Webb (2004), "The Effects of Higher Education on Tolerance: An Investigation of Political and Cultural Attitudes of College Students", **Academic Forum**, No 21, pp: 90-130.
- Harell, Allison (2010), Political Tolerance, Racist Speech, and the Influence of Social Networks, **Social Science Quarterly**, Volume 91, pp: 724-740.
- Heritage Dictionary (2002), **Stedman's Medical Dictionary**, Published by Houghton Mifflin Company.
- Karakayali, Nedim (2009) "Social Distance and Affective Orientations," **Sociological Forum**, Vol 23, No 3, pp: 538-562.
- Karpov, Vyacheslav(2002), "Religiosity and Tolerance in the United States and Poland", **Journal for the Scientific Study of Religion**, Vol 41, pp:267-287.
- Kasmoo, Mohd Arip. Usman, Abur Hamdi. Taha, Mohamad. Salleh, Ahmad Rafizi. Alias, Jamsari (2015), "Religious Tolerance in Malaysia: A Comparative Study between the Different Religious Groups", **Review of European Studies**, Vol 7, No 3, pp: 184-191.
- Katnik, Amy (2002), "Religion, Social Class, and Political Tolerance: A Cross-National Analysis." **International journal of Sociology**, Vol 32, pp:14-38.
- Kim, Junghyoun. Zhong, Yang (2010), "Religion and Political Tolerance in South Korea", **East Asia**, Vol 27, pp:187° 203.

- Kawakami, Kerry. Dovidio, John. Moll, Jasper. Hermsen, Sander. Russen, Abby (2000), "Just Say No (To Stereotyping): Effects on Training in Trait Negation on Stereotype Activation", **Journal of Personality and Social Psychology**, Vol 78, No, 5, pp: 871-888.
- Kunovich, Robert M (2004), "Social Structural Position and Prejudice: An Exploration of Cross- National Differences in Regression Slopes", **Social Science Research**, Vol 33, No,1, pp: 20-44.
- Lauderdale, Diane (2001), "Education and Survival: Birth Cohort, Period, and Age Effects", **Demography**, Vol 38, pp: 551° 61.
- Mendus, Susan. Edwards, David (1987), **On Toleration**, Clarendon Press.
- Mutz, Diana (2002), "Cross-Cutting Social Networks: Testing Democratic Theory in Practice." **American Political Science Review**, Vol 96, No 2, pp: 111-126.
- Parrillo, Vincent. Donoghue, Christopher (2005), "Updating the Bogardus social distance studies: a new national survey", **The Social Science Journal**, Vol 42: pp: 257-271.
- Paxton, P. (2004), "Who do you trust? A multilevel model of generalized trust in thirty-one countries", Paper presented at the Annual Meeting of the American Sociological Association, San Francisco.
- Perrin, Andrew (2005), "Political Microcultures: Linking Civic life and Democratic Discourse", **Social Forces**, Vol 84, No 2, pp: 1049-1082.
- Petersen, Michael. Slothuus, Rune. Stubager, Rune. Togeby, Lise (2010), "Freedom for All? The Strength and Limits of Political Tolerance", **British Journal of Political Science**, No 41, pp: 581° 597.
- Pickering, Paula (2006), "Generating Social Capital for Bridging Ethnic Divisions in the Balkans: Case Studies of Two Bosniac Cities", **Ethnic and Racial Studies**, Vol 29, No 1, pp: 79-103.
- Putnam, Robert (1993), "The Prosperous Community: Social Capital and Public Life", **American Prospect**, Vol 13, pp: 35-42.
- Putnam 2000, **Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community**, New York: Simon & Schuster.
- Olthuis, J. H (2012), "A vision of and for love: Towards a Christian post-postmodern worldview" **Koers- Bulletin for Christian Scholarship**, Vol 77, No1, pp: 1-7.
- Quintelier, Ellen (2008), "Does European Citizenship Increase Tolerance in Young People?" **European Union Politics**, Vol 9. No 3, pp: 339-362.
- Rhodes, Jeremy (2012), "The Ties That Divide: Bonding Social Capital, Religious Friendship Networks, and Political Tolerance among Evangelicals", **Sociological Inquiry**, Vol 82, No 2, pp: 163° 186.
- Robinson, Carin (2010), "Cross-Cutting Messages and Political Tolerance: An Experiment Using Evangelical Protestants", **Political Behavior**, Vol 32, pp: 495° 515.
- Schwadel, Philip. Garneau, Christopher (2014), "An Age° Period° Cohort Analysis of Political Tolerance in the United States", **The Sociological Quarterly**. Vol 55, pp: 421° 452.
- Skocpol, Theda. Cobb, Rachael. Klofstad, Casey Andrew (2005), "Disconnection and Reorganization: The Transformation of Civic Life in Late-Twentieth-Century America", **Studies in American Political Development**, Vol 19, No,2, pp: 137-156.
- Smith, Jeffrey. McPherson, Miller. Lovin, Lynn Smith (2014), "Social Distance in the United States: Sex, Race, Religion, Age, and Education Homophily among Confidants, 1985 to 2004", **American Sociological Review**, Vol 79, No3, pp:432-456.
- Talib, A. Sarjit S. Gill, Razaleigh. Kawangit, Muhamat. Kunasekaran, Puvaneswaran (2013), "Religious Tolerance: The Key between One ASEAN One Community", **Life Science Journal**, Vol 10, No, 4, pp: 1382-1385.

- Uzzi, Brain. Dunlap, Shannon (2005), "How to build your network", **Harvard Business Review**, Vol 83, No 12, pp: 53-60.
- Van der Noll, Jolanda (2014)," Religious toleration of Muslims in the German Public", **International Journal of Intercultural Relations**, Vol 38, pp: 60° 74.
- Vogt, Paul (2002) **Social Tolerance and Education**, **Review of education, Pedagogy, and Cultural Studies**. London: Sage.
- Waillet, Nastasya. Roskam, Isabelle (2013), "Are Religious Tolerance and Pluralism Reachable Ideals? A Psychological Perspective", **Religious Education**, Vol 108, No 1, pp: 69-87.
- Woolcock, Michael (2001), "The Place of Social Capital in Understanding Social and Economic Outcomes", **Canadian Journal of Policy Research**, Vol 2, No 1, pp: 11-17.

سایت

- www.amar.org.ir/Portals/0/Files/abstract/1390/sarshomari90_nahaii.pdf
- www.merriam-webster.com/dictionary/tolerate Retrieved 2012-04-07

